



۲۰۲۱/۰۱/۰۵

صلاح الدین سعیدی

محدودیت های نیم بندی

در برداشتهاو فهم همراه با افراط و تفریط انسان را گمراه میکند.

بخش از محدودیت ها در معلومات نیم بند و مطلق گرایی در فهم و عام ساختن مسایل از همین مواردند. طلا خوب است ولی کارد طلا را به شکم خود زدن بد. دیموکراسی خوب است ولی دیموکراسی بدون حاکمیت قانون مردود است. اقتصاد بازار آزاد خوب است ولی اقتصاد بازار آزاد بدون حاکمیت قانون و حاکمت در همه موارد عرضه و تقاضا محکوم و غلط است. اقتصاد بازار آزاد بودن وجود توانایی های رقابت آزاد و بدون حاکمیت قانون مردودند. و حال مشخص تر:

مرجع تصمیم گیرنده عقل و مغز است و یا دل بحث است که قرنها وجود داشت و دارد. همه را به عقل و مغز متعلق ساختن و همه را ه دل متعلق ساختن و درین راستا افراط و تفریط خطا است. من میگویم دلم نمیخواهد. عقلم کجا شد. من عاشقم ولی عقلم مخالف است. باید به عقل رفت و یا به دل و یا در وسط؟ سوالیکه جواب مطلق ندارد. یکسره تأکید کردن به عقل خطاء و در موارد مشخص انسان به پرتگاه میبرد. من انسان با پنج حواس و عدم آگاهی از عمق بصیرت و مثلاً دیدن به گوش و دهه ها مورد که تاحال حواس پنجگانه آنرا درک نمی کنند و یکسره به عقل قاصر و همه را درین چوکات دیدن خطاء و گمراه کننده است. ما در مورد مسائل دینی باور داریم که مثلاً مسلمانیم و بقیه موارد را ولو اگر به عقل ما توافق ندارد قبول میکنیم و این جامد ماندن و تحجر نیست و این ایمان به زمان و مکان ارتباط ندارد. ارزش قرآنی احترام به پدر و مادر به گذشت هزار سال ارزش است و اینکه مسائل عبادی و عبادات به نقل اند و به عقل رابطه ندارد نیز مسلم اند. در مسایل دینی و اعتقادی دین من عقل را داخل کردن و کاوش اینکه نماز صلح چرا ۴ رکعت است تا به گفته آن جناب در تحجر نه مانم یک برداشت غلط از استعمال عقل است اگر منظور شاعر این عام سازی باشد که در ظاهر چنین دیده می شود منظور همین هم است (در تنگنای استثمار ذهنی اسیر می ماند).

معتقد به امر دین و مسایل دینی و عبادتی تأکید کردند که کرده اند که انسان خالف تصور عامه، اکثر انسان ها نه تعقل پسند اند و نه بر اصول عقالنیت (عقلانیت) و سنجش موضعگیری میکنند. این برداشت عام شده نمی تواند و به شکل عام و مطلق درست نیست.

شنیدن خیر تأیید به تأیید عقاید و باورهای ما که امر نورمال و قابل فهم است. مسلماً که خوش میشویم که نقد منطقی در مورد باورهای خود بشنویم و این مشکل ندارد، اگر نقد چنان منطقی باشد که نظر من را مستند رد کند. تعهد ما

به حق است و نه به هر قیمت به یک موضع. بلی انعطاف ناپذیری درین راستا درست نیست. اما به هر نظر مخالف عقیده خود موافق نیستیم و این درست هم است. این نظر نه پوسیده است و نه نادرست.

باورهای ما تکیه گاه اضطراب و اضطراب به ما استقرار و آرامش خاطر می بخشند اما نه باورهای کاذب که خوش خواهیم شد که به خطای خود پی ببریم و به آن اعتراف کنیم. من تحول و تکامل باور دارم و انقلابها را خوش ندارم.

اگر اعتقادات دنیوی با مقتضیات عصر سازگاری نداشته باشد و چشم نقاد و بازنگر نباشد که شخص را از خود بیخود میکند ولی در مورد دین مقدس اسلام مسأله طور دیگر است و آن اینکه منابع دین مقدس اسلام قرآن کریم، سنت رسول الله و اجماع امت و چهارم قیاس و انالوگی است است که همین امور و مسایل روز را جوابگو و با مقتضیات مطابق اصول داده شده در فتوی های مراکز فتوا و مفتی ها با عصر برابر و هم حیات میسازد. دقیقاً عدم درک از عمق انالوگی و قیاس در منابع اسلام سبب اعتراض بی خبران میشود. نتیجه گیری عام ازین نتیجه گیری و بدون فهم از عمق این قضایا معتقد این کلی گویی ها را بدراه و حتی از دایره دین اسلام خارج ساخته میتواند. اما این قانونمندی های در مسایل اجتماعی دیگر که نظر به تغییر مواد خام اعتقاد نتیجه گیری تغییر میکند و باید نتیجه گیری دیگر شود، امر قابل درک و مقبول است. اما در موارد یکه من متمرکز شدم این عام گویی ها اعتبار ندارند. درین صورت خود کاشتن، خود درو کردن و خود نتیجه منفی گرفتن است.

اعتقاد در مسایل و مراحل ابتدایی هویتی و تقلیدی اند ولی در مراحل بالایی بر شناخت و معرفتی میرسند و این پروسه باید به قبول و پذیرفته شود. پناه به الله تعالی و خدای آسمان به هیچ صورت به سلسله تحلیل و منطق گمراه کننده لفاظی نیست، بلکه از براساس اعتقاد و ایمان است که از تقلید به تعقل و تفکر و تعمق میرسد و این نصیب هرکس با تأسف نمی شود و این پروسه دوجانبه معرفت است. و اما نتیجه گیری ها در مورد پیشوایان روی زمین افراد که الله تعالی که لست گناهان این پیشوایان طویل و عریض است به نحوی منطق خود را دارد ولی استعمال این منطق به خداوند متعال انسان را کافر و منطق را اغواء کننده و مزخرف میدانم.

من به اعتقاد زنده باد و مرده باد مردم کاری ندارم. بگذار مردم ایدول های و قهرمانان خود را داشته باشند و از کارنامه نیک و انسانی شان پیروی کنند. ولی نباید درین راستا افراط و تفریط کرد. این رهبران و پیشوایان در مراحل مختلف زندگی خویش لحظات قابل افتخار داشتند ولی در لحظات دیگر لغزش های داشتند که یکسره رد و یکسره قهرمان سازی عادلانه نیست. تاریخ را بیرحم باید مطالعه کرد و تاریخ بیرحم است. کمک به داده توان تفکر و اندیشه در ادای دین با تأمل و سنجش بشری را استقامت نیک دادن رسالت است اما نباید سبب گمراهی و بدراهی شد.

ادامه بحث از حوصله من خارج شد و دیگر به باقی مطالب این نوشته نه رفتم و نه گفتنی های دیگر هم دارم.



[د صلاح الدین سعیدی نورو لیکنو لپاره، دلته کلپک وکری](#)